



درس آیات الأمکام استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۳۹۳/۲/۲۲

موضوع کلی: آیات الأحکام (خمس)

مصادف با: ۱۲ رجب ۱۴۳۵

موضوع جزئی: بخش سوم: صاحبان خمس

جلسه: ۲۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در مورد معنای ذی القربی بود، قرار شد در رابطه با ذی القربی در قرآن بحث کنیم، به طور کلی در قرآن حدود ۱۶ مورد از این کلمه به انحاء مختلف ذی القربی و ذوی القربی، خود قربی به تنهایی استفاده شده، البته در بسیاری از این موارد قرائنی وجود دارد که به معنای مثلاً خاص لغوی خوش هست.

معنای لغوی

در مورد ذی القربی یا قربی، باید گفت ریشه اش از قرب است به معنای نزدیک و دنو و مصدر میباشد و در لغت به معنای نزدیکان و خویشاوندان نسبی می باشد، زمخشری می گوید قربی مصدری است مثل ذلفی و بشری به معنای قرابت و نزدیکی، نوعاً در لغت قربی را به همین معنا گرفته اند یعنی خویشاوندان و قرابت نسبی.

معنای اصطلاحی

اما به غیر از معنای لغوی یک معنای اصطلاحی هم برایش ذکر شده که این مسئله به خصوص در این آیه بیشتر محل بحث واقع شده: «قل لا استلکم علیه اجرا إلا المودة فی القربی»^۱ در ذیل این آیه بحث های زیادی از ناحیه مفسرین شیعه و سنی صورت گرفته و به طور کلی چندین معنا برای قربی در این آیه ذکر کرده اند؛ بعضی از مفسرین گفته اند منظور مشرکان قریش مکه هستند که فامیلی نسبی دور با پیامبر دارند و بر این اساس آیه را اینطور معنا کرده اند: اینکه خداوند متعال می فرماید بگو که من از شما اجر و مزدی نمی خواهم الا مودت در قربی، به این معنا است که شما به خاطر خویشاوندی با من، مرا اذیت نکنید، از آنجائی که ما و شما که خطاب به مشرکان قریش است) باهم خویشاوندی داریم پس اجر این خویشاوندی این باشد که مرا اذیت نکنید یا کمتر اذیت کنید؛ قرائنی هم برای این ادعا ذکر می کنند از جمله اینکه این آیه مکی است و تناسب با این معنا دارد و نمی شود خطاب دیگران باشند.

بعضی به معنای لغوی خودش یعنی خویشان نزدیک دانسته اند؛ بعضی بر خصوص مولا علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و ابناءهما الحسن و الحسین (ع) حمل کرده و بعضی به معنای آل محمد (س) دانسته و آن را به اهل بیت پیامبر تطبیق کرده اند و بعضی هم به خصوص ائمه معصومین (ع) تفسیر نموده اند؛

^۱. شوری / ۲۳.

اجمالاً در میان مفسران اهل سنت به غیر از چند تن از آنان که بیشتر بر این معنا تأکید کرده اند که قربی به معنای مشرکان قریش و فامیل نسبی پیامبر هستند مثل طبری و ابن کثیر و آلوسی، بسیاری از آنها هم آن را به آل محمد (ص) و اهل بیت پیامبر و امیر المؤمنین و حضرت فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) منطبق کرده اند.

در فضائل الصحابه از احمد ابن حنبل نقل شده که قربی را به معنای آل محمد دانسته^۱، در صحیح بخاری می گوید منظور از قربی آل محمد است^۲، ترمذی در جامع صحیح از محمد ابن عیسی ابن ثوره، قربی را قریش و آل محمد ذکر کرده^۳، طبری در تفسیرش با نقل دو حدیث قربی را به معنای قربی النبی و قربی رسول الله ذکر کرده^۴، حاکم در مستدرک خطبه امام حسن (ع) را در روز شهادت امیر المؤمنین (ع) که برای مردم ایراد فرموده نقل کرده که این آیه را بر اهل بیت پیامبر تطبیق کرده، زمخشری قربی را به معنای علی و فاطمه و فرزندانش تطبیق کرده^۵، ابن اثیر در تفسیرش ضمن توجیهی که برای بیان زمخشری دارد آن را به اهل بیت و آل محمد تطبیق کرده.

به طور کلی موارد زیادی وجود دارد که منظور از قربی را آل محمد و اهل بیت پیامبر دانسته اند. ابن صباغ مالکی در اصول المهمه و محمد ابن طلح شافعی در مطالب السؤل و ابن حجر هیشمی در الصواعق المحرقة^۶ و سیوطی در الدر المنثور^۷ و ابن عربی در تفسیرش^۸ و قرطبی در تفسیرش^۹، نصفی در تفسیرش، اینها عمدتاً به این معنی اشاره کرده اند، طبرانی در معجم الکبیر هم داستان امام حسن (ع) را نقل کرده، سیوطی در روایات متعددی از ابن عباس و مجاهد نقل می کند که از پیامبر در مورد مصداق این آیه سؤال شد، ایشان فرمودند: ان تحفظونی فی اهل بیتی و تردوهم بی، سپس از ابن عباس و سعید ابن جبیر نقل می کند که آنها علی و فاطمه و فرزندانشان هستند، البته بعد می گوید که سند این روایت ضعیف است، به هر حال نقل کرده ولی اشکال هم کرده اند. به هر حال در موارد متعدد جمع زیادی از مفسرین اهل سنت در ذیل این آیه آن را منطبق کرده اند بر اهل بیت و علی و فاطمه و فرزندان ایشان.

در آیه: «وآت ذا القربی حقه»^{۱۰} هم ذی القربی را بعضی از مفسرین اهل سنت منطبق کرده اند به آل پیامبر و اهل بیت یا علی و فاطمه و فرزندان ایشان، مثلاً آلوسی در ذیل این آیه از قول جبرئیل به پیامبر می گوید که منظور فاطمه است^{۱۱}، زمخشری

۱. فضائل الصحابه، ص ۲۱۸.

۲. بخاری، ج ۳، ص ۱۹۲، طبع مصر.

۳. جامع صحیح، ج ۵، ص ۳۵۲.

۴. تفسیر طبری، ج ۲۵، ص ۱۴ و ۱۵.

۵. تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۴۰۲.

۶. الصواعق المحرقة، ص ۱۰۱ و ۱۳۵.

۷. الدر المنثور، ج ۶، ص ۷.

۸. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۵۸۴۳.

۹. تفسیر نصفی، ج ۴، ص ۹۹.

۱۰. اسراء / ۲۶.

۱۱. تفسیر روح المعانی، ج ۴، ص ۱۷۶.

در کشف نقل می کند. وقتی این آیه نازل شد از پیامبر پرسیدند چه کسانی از ذوی القربی شما هستند؟ ایشان فرمودند: علی و فاطمه و ابناهما.^۱

در ذیل آیه مودت بیضاوی می نویسد. وقتی این آیه نازل شد از پیامبر سؤال شد که نزدیکان شما چه کسانی هستند؟ ایشان فرمودند: علی و فاطمه و دو پسرش^۲، قرطبی در ذیل همین آیه میگوید: سؤال شد که اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزند آنها.^۳

به هر حال در کثیری از منابع اهل سنت و جوامع روانی آنها در ذیل آیه مودت و آیه «وآت ذا القربى حقه» قریبی را به معنای اهل بیت و عترت پیامبر و یا امیر المؤمنین و فاطمه و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) دانسته اند.

نتیجه:

پس در استعمالات قرآنی ذی القربی یا قریبی، از این لفظ معنای خاص اراده شده نه همه خویشاوندان، نه خویشاوندان نزدیک که باز یک معنای عامی دارد، بلکه خصوص اهل بیت و عترت پیامبر و بویژه علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) منظور است.

به هر حال در آیه «واعلموا أنما غنمتم من شیء فأن لله خمسَه وللرسول و لذی القربى و الیتامى و المساکین و ابن السبیل» به طور کلی چهار احتمال و بلکه چهار قول در مورد معنای ذی القربی وجود دارد:

۱. اینکه تمام اقربی پیامبر و خویشاوندان نزدیک ایشان را شامل می شود.
۲. اینکه فقط شامل کسانی است که از طرف عبدالمطلب به هاشم برسند.
۳. اینکه خصوص امام معصوم منظور است، یعنی فقط ائمه معصومین (علیهم السلام) را در بر می گیرد. ۴. اینکه منظور از ذی القربی، ذی القربی پیامبر نباشد بلکه ذی القربی خود غانمین منظور باشد.

نظر مفسرین شیعه در باره معنای قریبی

در بین مفسرین شیعه عمدتاً و شاید اکثریت قریب به اتفاق و شهرت عظیمه بر این است که مراد از ذی القربی امام معصوم (ع) می باشد، فقط چند تن از فقها و محدثین از جمله شیخ صدوق و ابن جنید معتقدند به معنای خویشاوندان نزدیک پیامبر است، یعنی از طریق عبدالمطلب به هاشم ابن عبد مناف می رسند، روایاتی را هم مؤید و مستند این معنا قرار داده اند: ..

نظر ابن جنید و شیخ صدوق:

۱. تفسیر کشف، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲. انوار التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۷.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۱۸۴۳.

ابن جنید بنا بر نقل مختلف^۱ و شیخ صدوق در المغنم^۲ و در من لایحضره الفقیه^۳، این لفظ را بر امام معصوم حمل نکرده بلکه آن را به مطلق اقربا، آن هم به این طریق معنا کرده اند. البته معنای عامی که اینها گفته اند شامل امام معصوم هم می شود، یعنی در واقع منحصر در امام معصوم نیست، دیگران را می گیرد و ائمه معصومین را هم در بر می گیرد. ایشان در این رابطه به روایاتی استناد کرده اند:

روایت اول:

« محمد بن الحسن بإسناده عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن عبد الله بن مسنكان عن زكريا بن مالك الجعفي عن أبي عبد الله ع أنه سأله عن قول الله عز وجل واعلموا أنما غنمتم من شيء فإن لله خمسة و لرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل. فقال أما خمس الله عز و جل للرسول يضعه فی سبیل الله و أما خمس الرسول فلا قاربه و خمس ذوی القربی فهم أقرباؤه و الیتامی یتامی أهل بیته فجعل هذه الأربعة أسهم فیهم و أما المساکین و ابن السبیل فقد عرفت أنا لا تأکل الصدقة ولا تحل لنا فهي للمساکین و أبناء السبیل.^۴ از امام صادق در باره آیه خمس سؤال کردند؟ ایشان فرمودند: خمس خداوند مال رسول است و خمس رسول هم مال اقارب است و یک خمس هم خود ذوی القربی دارند که ذوی القربی همان اقارب هستند، یعنی در واقع میخواهد بگوید خمسی که سهم رسول است مال اقربای می شود و خمس ذوی القربی هم که مال خودشان است و بعد آن ذوی القربی را معنا میکند و می گوید: پس آنها همان اقربای هستند.

روایت دوم:

« عن محمد بن مسلم عن أحدهما (ع) قال: سأله عن قول الله عز و جل و اعلموا أنما غنمتم من شيء فإن لله خمسة و الرسول و لذی القربی قال هم قرابة رسول الله (ص) مسألته منهم الیتامی و المساکین و ابن السبیل قال نعم.^۵ می گوید من از این آیه سؤال کردم که ایشان فرمودند: اینها قرابت رسول الله هستند، و در ادامه سؤال کردم آیا یتامی و مساکین و ابن السبیل هم از آنها هستند؟ ایشان فرمودند بله آنها هم از اقربی هستند، یعنی کأن همه این خمس مربوط به اقربای پیامبر می باشد.

پس تا اینجا بعضی از آراء مفسرین اهل سنت را نقل کردیم که گفتند در استعمالات قرآنی قربی یا ذوی القربی در بعضی موارد و آنجا که قرینه ای بر لزوم حمل بر معنای لغوی نیست مراد اهل بیت پیامبر یا آل محمد و یا خصوص علی و فاطمه و فرزندان ایشان می باشد، یعنی امام حسن و امام حسین (ع).

هم چنین عرض کردیم به غیر از بعضی اهل سنت که قربی را به معنای خویشاوندان به معنای عام گرفته اند از بین علمای شیعه هم بعضی به همین معنا دانسته اند.

۱. مختلف، ج ۳، ص ۳۲۷

۲. فی المغنم، ص ۱۷۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹.

۴. تهذیب، ج ۴، ص ۱۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۵۰۹، ح ۱.

۵. تهذیب، ج ۱، ص ۵۱۷، ح ۱۳.

اما دلیل اینکه ما معنای قربی را خصوص امام معصوم و ائمه معصومین دانسته و به تبع اکثر بزرگان و علمای شیعه این نظریه را پذیرفته ایم خواهیم نمود چیست؟ تنها دلیل روایات است که انشاء الله بیان خواهیم کرد و سپس با این دو روایت جمع خواهیم نمود.

«والحمد لله رب العالمین»